



مستوفی بیمه محصولات کشاورزی

دومین
همایش علمی
بیمه کشاورزی، توسعه و
امنیت سرمایه گذاری



مجموعه مقالات

موانع و چالشهای فرا روی بیمه کشاورزی

دکتر حبیب الله سلامی *

آرش دوراندیش **

* دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران

چکیده

در این مقاله روند توسعه بیمه کشاورزی و وضعیت کنونی بیمه در کشورهای جهان مورد مطالعه قرار گرفته و موانع و چالشهای فراروی آنها بررسی شده است. با انجام این مرور وضعیت بیمه در ایران و چالشهایی که بیمه کشاورزی در ایران با آن مواجه است مشخص و تحلیل شده و راههای مقابله با آنها، با توجه به تجربه های جهانی و در نظر گرفتن شرایط خاص کشور، پیشنهاد شده است.

کلید واژه ها: بیمه کشاورزی، صندوق بیمه، چالشها و موانع، تجربه های جهانی

نتیجه

مطالعه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، ایران کشوری است که بخش کشاورزی آن نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می کند. فراهم کردن اشتغال برای بیش از ۲۶ درصد از جمعیت شاغل کشور و دانش ۱۵۱۱ درصد سهم از تولید ناخالص داخلی. گویای همین واقعیت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲). با توجه به اینکه چگونگی تقاضای جمعیت رو به رشد دنیا و کاهش فقر از چالشهای جدی کشاورزی در دنیا و از جمله کشور ایران در قرن ۲۱ است لذا طبیعی است که بخش کشاورزی همچنان در مرکز توجه تمامی برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی قرار داشته باشد و رشد و توسعه آن یکی از اهداف استراتژیک این برنامه ها باشد.

لذا فعالیت در بخش کشاورزی یکی از برخطاهمترین فعالیتهای اقتصادی است زیرا در فعالیتهای کشاورزی انواع مخاطرات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی دست به دست هم داده و مجموعه شکننده و آسیبپذیری را برای تولیدکنندگان در این بخش فراهم می‌آورد. عوامل کنترل ناپذیر نظیر عوامل جوی، از جمله سیل، نگرگ، بارانهای تند، خشکسالی، گرما و سرمای شدید، باد و طوفان از یک سو و هجوم آفات و بیماریها و آنتی بیوتیک در کنار تغییرات بازار از سوی دیگر، همواره تهدیدی جدی برای فعالیت در بخش کشاورزی بوده و سرمایه گذاری در این بخش را برای صاحبان تولید تولید و سرمایه بر مخاطره و عرضه کالا را برای مصرف کنندگان محصولات کشاورزی بر نوسان نهاده است. نوسانات زیاد در تولید و قیمتها موجب بروز تغییر و نوسان در درآمد تولید کننده می شود و بی اطمینانی در درآمد او ایجاد می کند. این بی اطمینانی در درآمدهای آینده، تولید را در کوتاهمدت مشکل و برنامه ریزی برای مدت طولانی را با پیچیده می کند و البته فعالیت وی را با ایهام رو برو می سازد. لذا چنانچه این مخاطرات مدیریت نشود توسعه کشاورزی مشکل و رفاقت تولید کننده مصرف کننده، هر دو، کاهش می یابد.

به طوری که گفته شد تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در محیطی مجبور به تصمیمگیری درباره تخصیص منابع به تولید محصولات مختلف هستند که نسبت به شرایط اقلیمی و اقتصادی و همچنین قیمت‌ها و عملکرد محصولات عدم اطمینان وجود دارد. از دیدگاه نظری و در مطالعات تجربی نشان داده شده است که این بی‌اطمینانی نسبت به قیمت و عملکرد بر تصمیمات تولیدکنندگان در نحوه استفاده از نهاده‌های تولید و نیز تولید محصولات تأثیر عمیقی می‌گذارد. به‌عنوان مثال راینسون و باری^{۱۳} (۱۹۸۷) نشان داده‌اند که میزان مصرف نهاده‌ها در شرایط وجود ریسک متفاوت از سطح مصرف نهاده‌ها در شرایط اطمینان است و زیر تأثیر نوسانات قیمت محصول و نهاده‌ها، درجه ریسک‌گریزی کشاورزان و سطح تولید قرار می‌گیرد. همچنین جاست و زیلبرمن^{۱۴} در مطالعه خود در سال ۱۹۸۶ بیان گفته‌اند که با فرض وجود ریسک تولید و قیمت، امکان دارد که قانون عرضه صادق نباشد و عرضه محصول به عوامل دیگری همانند درجه ریسک‌گریزی، توزیع احتمالاتی قیمت و عملکرد و همبستگی بین قیمت‌ها و عملکرد بستگی داشته باشد. علاوه بر این بسیاری از اقتصاددانان اعتقاد دارند که انگیزه‌های اقتصادی مثل فراهم‌ساختن نهاده‌های ارزان، کمکه‌های فنی و خدمات ترویجی برای اینکه کشاورزان کوچک، فناوریهای جدید را به‌کار ببرند کافی نیست بلکه عامل ریسک و عدم حتمیت در نظریه تصمیم‌گیری، نقش اساسی در رفتار کشاورزان درباره پذیرش فناوری و نهاده‌های جدید ایفا می‌کند (بانک جهانی، ۱۹۹۹). در شرایط ریسکی، کشاورزان کوچک اولویت را به نجات خانواده خود و معیشت آنها می‌دهند (هنسی^{۱۵} و همکاران، ۱۹۹۷). چنین تفکری منجر به انتخاب روشهای سنتی به‌جای روشهای جدید تولید می‌شود. در نتیجه در شرایط وجود ریسک بالا و فقدان یک سیستم حمایتی و بیمه فن‌آوریهای جدید کمتر پذیرفته می‌شوند که حاصل آن افزایش هزینه تولید و کاهش توان رقابتی تولیدکنندگان در بازارهای داخلی و بین‌المللی است.

گرچه مخاطره در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی امری اجتناب‌ناپذیر است، اما مدیریت پذیر است. در این راستا، تولیدکنندگان و سیاستگذاران اقتصادی در جوامع مختلف در مواجهه با مخاطرات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و شخصی در فعالیتهای کشاورزی، استراتژیها و شیوه‌های متفاوتی را به منظور مدیریت و کاهش ریسک به کار گرفته‌اند، هر چند که این روشها ممکن است بدون توجه به اصول علمی مدیریت ریسک و به‌صورت ناخواسته و براساس تجربه، صورت پذیرفته باشد (فیشر، ۱۹۹۰). تنوع در تولید محصولات، اشتغال و ایجاد درآمد در خارج از مزرعه، پیش‌فروش محصول، استفاده از شیوه‌های کشت مشارکتی، بهره‌گیری از بازارهای آینده و قرارداد فروش، و خرید بیمه تولید و درآمد، نمونه‌ای از شیوه‌های مدیریت ریسک توسط تولیدکنندگان

¹³ Robison and Bary

¹⁴ Just and Zillberman

¹⁵ Hennessy

در بخش کشاورزی است. دولت‌ها نیز کوشیده با تدوین سیاست‌های حمایتی، از جمله پرداخت‌های جبرانی، تعیین قیمت‌های تضمینی، پرداخت وام زیر شرایط خاص، کنترل تولید و سطح زیر کشت و پرداخت‌های موردی برای جبران بخشی از خسارت‌های ناشی از حوادث غیر مترقبه به امر مدیریت ریسک در کشاورزی کمک کنند.

با تمام تفاوت‌هایی که شیوه‌های مختلف مدیریت ریسک دارند، لیکن همگی هدف‌های مشترکی را تعقیب می‌کنند و آن عبارت است از ایجاد ثبات در عرضه و درآمد تولید کنندگان، تشویق تولید کنندگان به سرمایه‌گذاری و پذیرش تکنولوژی‌های جدید و تشویق عرضه کنندگان اعتبارات به عرضه تسهیلات به تولید کنندگان بخش کشاورزی.

در میان روش‌های متعدد مدیریت ریسک، بیمه کشاورزی جایگاه ویژه‌ای دارد. دولت‌ها در کشور های مختلف جهان پس از تجربه راهکارهای مختلف مدیریت ریسک و شیوه‌های متعدد حمایتی به این نتیجه رسیده‌اند که بیمه کشاورزی می‌تواند به عنوان یک راهکار مناسب جایگزین بسیاری از شیوه‌های دیگر مدیریت ریسک و حتی انتقال حمایت‌های مالی به تولید کنندگان کشاورزی شود. تولید کنندگان نیز خود بیمه را یکی از شیوه‌های مناسب رویارویی با ریسک تولید و درآمد می‌دانند. این شیوه بویژه در کشورهای در حال توسعه که سایر روش‌های رایج در کشورهای پیشرفته، از جمله بازارهای آینده مرسوم نیست و یا از پیشرفت لازم برخوردار نیست و حتی به دلیل کوچک بودن اندازه زمین واحدهای تولیدی تنوع کشت نیز مقرون به صرفه نیست ابزار مناسب و ضروری‌تری تلقی می‌شود. بر همین اساس، بیمه کشاورزی در طول حدود ۱۰۰ سال عمر خود پیشرفت‌های بسیار قابل ملاحظه‌ای در ابعاد مختلف کرده و تحولات زیادی داشته است. از آنجا که بیمه کشاورزی محصولی است که ارائه آن دارای پیچیدگی‌های بسیار است، لذا به رغم پیشرفت‌های حاصل شده ارائه کنندگان آن چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه همچنان با مشکلات و چالش‌های متعدد و اساسی روبه‌رو هستند. در این مطالعه سعی شده است برخی از موانع و چالش‌ها که بیمه کشاورزی در ایران با آن رو به روست مورد بررسی قرار گیرد و باگشودن ابعاد آن، توجه دست اندرکاران و صاحب‌نظران به آنها جلب شود تا با مطالعه و برنامه‌ریزی این موانع و چالش‌ها به فرصت‌های مناسب برای توسعه بیمه در کشور مبدل شود.

عملیات بیمه در جهان: تجربه‌ها و درس‌ها

بیمه کشاورزی به شکلهای مختلف در کشورهای جهان در حال اجراست. تفاوت عمده در برنامه‌های بیمه در این کشورها در پوشش بیمه یعنی محصولاتی که زیر پوشش قرار می‌گیرد، نوع خطرو تعداد خطرانی که پوشش داده می‌شود، اجباری بودن و نبودن خرید بیمه، نوع بیمه از

لحاظ نوع پوشش شامل بیمه عملکرد یا بیمه درآمد، بیمه انفرادی و یا بیمه منطقه ای، دولتی بودن و یا خصوصی بودن بیمه گر است. از لحاظ سابقه وجود بیمه نیز، تفاوت‌های زیادی در بین کشورها دیده می‌شود. سیر تحول بیمه نیز در کشورهای مختلف یکسان نیست.

به نظر می‌رسد ایالات متحد آمریکا اولین کشوری است که از حدود ۱۰۰ سال قبل بیمه محصولات زراعی را بوسیله دولت ارائه کرده است (ونر و آریاس، ۲۰۰۳). در این کشور بیمه تحولات زیادی را در سالهای گذشته به خود دیده و هم اکنون به عنوان برنامه اصلی مدیریت ریسک از سوی دولت به حساب می‌آید (بارنت و کوبل، ۱۹۹۹). در حال حاضر دو گروه بیمه در این کشور ارائه می‌شود: بیمه عملکرد و بیمه درآمد. در گروه اول سه نوع محصول بیمه ای ارائه می‌شود. (۱) بیمه ای که بر مبنای عملکرد گذشته هر بیمه گذار، بیمه نامه صادر و خسارت پرداخت می‌شود. (۲) بیمه ای که بر اساس یک طرح گروهی (منطقه ای) صادر و بر مبنای عملکرد متوسط منطقه خسارت پرداخت می‌شود. (۳) بیمه ای که در شرایط حاد فاجعه آمیز خسارت پرداخت می‌شود. این نوع بیمه بیش از ۱۰۰ نوع محصول زراعی و دامی را پوشش می‌دهد (بارنت، ۲۰۰۳).

در گروه دوم هم ۴ نوع محصول بیمه ای وجود دارد: (۱) بیمه درآمدی یک محصول خاص (۲) بیمه تامین در آمد (IP¹⁶)، بیمه کل درآمد مزرعه (RA¹⁷) و بیمه ارزش دلاری مزرعه¹⁸. این ۴ نوع بیمه در مبنای محاسبه و پرداخت خسارت و پوشش آن از لحاظ یک محصول یا کل محصولات یک مزرعه با هم تفاوت دارند. بیمه درآمد تنها ۴ محصول اصلی و استراتژیک زراعی را شامل می‌شود که عبارتند از گندم، ذرت، سویا و پنبه.

از لحاظ ترکیب بیمه در آمریکا، ۴۸ درصد از کل حق بیمه در سال ۲۰۰۲ مربوط به بیمه درآمد، ۵۳ درصد مربوط به بیمه عملکرد (محصول)، و ۹ درصد مربوط به بیمه منطقه ای بوده است (ونر و آریاس، ۲۰۰۳). از جنبه پوشش سطح زیر کشت، حدود ۴۰ درصد کل زمینهای زیر کشت بیمه هستند.

در آمریکا بخش خصوصی در ارائه بیمه کشاورزی فعال است. این بخش با بیمه تک خطر، از جمله بیمه تگرگ، سیل، آتش سوزی و از این قبیل از سالها قبل کار خود را شروع کرده است. اما در حال حاضر بخشی از بیمه چند خطر را نیز با حمایت دولت ارائه می‌کند. ضمن اینکه بخش دیگر بیمه چند خطرمستقما توسط دولت ارائه می‌شود. در این کشور دولت عملا به عنوان بیمه اتکایی برای بیمه گران بخش خصوصی بیمه کشاورزی عمل می‌کند.

¹⁶. Income Protection

¹⁷. Revenue Asurance

¹⁸. Dollar Revenue Insurance

نسبت زیان (Loss ratio) در بیمه محصول برای کل محصولات در سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۳ بسیار بالای بوده است. لیکن پس از آن این نسبت به حدود ۱ تقلیل داده شده است. مطالعات نشان می دهد که بیمه کشاورزی در آمریکا مدتهاست که از یک ابزار صرف مدیریت ریسک منحرف شده و ابتدا به به صورت وسیله ای برای مدیریت سوانح و سپس به عنوان یک ابزار حفظ در آمد تولید کنندگان کشاورزی در آمده است. در واقع، آنچه قبل از توافق دور اروگوئه به صورت پاره پاره به بخش کشاورزی انتقال داده می شد، اکنون در قالب بیمه به نوعی پرداخت می گردد. بر همین اساس این اعتقاد وجود دارد که نرخ بیمه در آمریکا نه بر اساس اصول بیمه بلکه بر در واقع زیر فشارهای سیاسی لابیگران تعیین می شود.

در اسپانیا بیمه از سال ۱۹۷۸ شروع شده و توسط بخش خصوصی با پشتوانه دولت ارائه می شود. دولت نقش بیمه اتکایی را بر عهده دارد و کار مطالعه و طراحی محصولات جدید بیمه را انجام می دهد. به علاوه بخشی از حق بیمه نیز توسط دولت پرداخت می شود. در اسپانیا حدود ۴۰ درصد زمین ها قبل از کشت زیر پوشش بیمه قرار دارند. در این کشور حدود ۶۵ نوع محصول بیمه ای ارائه می شود و تعداد چشمگیری از خطرات نیز پوشش داده می شود.

در اروپا طرحهای بیمه کشاورزی به طور عمده به عنوان بخشی از فعالیتهای شرکتهای بیمه بازرگانی شکل گرفته است و با بیمه محدود خطرات تگرگ و آتش سوزی (خاصه در آلمان و انگلستان) آغاز شده است. هرچند که در پاره ای از این کشورها از جمله سوئد اجرای بیمه کشاورزی به صورت گسترده و توسط دولت انجام می شود. این کشور همچنین شکل خاص تضمین درآمد کشاورز را از مجموع فعالیتهای کشاورزی به اجرا گذاشته است. در جامعه اروپا بیمه دامها و طیور مورد توجه خاصی قرار دارد. در کشور فرانسه بیمه تعاونی نیز متداول است که در نوع خود منحصر به فرد است.

در استرالیا از اوایل دهه ۱۹۶۰ بیمه محصولات کشاورزی شروع شد. در این کشور نیز همانند کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی نظام بیمه اتکایی، پشتوانه محکم نظام بیمه ای این کشور است.

در آسیا، ژاپن اولین کشوری است که قوانین مربوط به بیمه را تدوین و اجرا کرده است. این کشور در سال ۱۹۲۹ بیمه دام و در سال ۱۹۳۹ قانون بیمه محصولات کشاورزی را تصویب کرد و از سال ۱۹۴۷ برنامه بیمه را به طور کامل و در سطح کل کشور به اجرا درآورد. در این کشور بیمه غلات و دام اجباری است و دولت نیز در پرداخت حق بیمه به کشاورزان پارانه می پردازد. کشورهای فیلیپین، سریلانکا، هند، تایلند، کره، بنگلادش و اندونزی نیز در زمینه بیمه محصولات کشاورزی اقدام نموده اند. در مجموع اغلب کشورهای قاره آسیا (حدود ۷۰ درصد) بیمه کشاورزی را

مهم غذایی کشور بوده و در سطح وسیعی کشت شده و تکنولوژی زراعی تولید این محصولات به خوبی تحقیق و مشخص شده و دارای آمار دراز مدتی نیز می‌باشد زیر پوشش قرار دارد.

در مکزیک بیمه کشاورزی از سال ۱۹۶۱ توسط دولت از نوع بیمه چند خطر و اختیاری شروع شد. لیکن به دلیل ضعف در تعیین حق بیمه و نظارت بر اجرای آن هزینه‌های بیمه به حد غیر نامعقولی افزایش یافت. همین امر منجر به تعطیلی بیمه در کشور در سال ۱۹۸۸ گردید (هرناندز، ۱۹۹۷). در سال ۱۹۹۱ بار دیگر یک شرکت بیمه دولتی تشکیل شد که تنها به عنوان بیمه اتکایی شرکت‌های بیمه خصوصی عمل می‌کند. البته تعداد خطرات زیر پوشش نسبتاً محدود است (خشکسالی، باد، آتش سوزی، بیماری گیاهی و امراض دامی، رطوبت مازاد، به جای بارندگی و سیل). حق بیمه در این کشور نیز از یارانه دولتی بر خوردار است.

در کشور اروگوئه به عنوان یکی دیگر از کشورهای در حال توسعه، بیمه کشاورزی از سال ۱۹۱۳ در سطح محدودی شروع شده و تا سال ۱۹۹۳ تنها در انحصار دولت بوده است. اما از آن به بعد بیمه توسط دو شرکت خصوصی به صورت بیمه تک خطر ارائه شده است. از سال ۲۰۰۱ دولت با پرداخت یارانه تا سقف ۶۰ درصد حق بیمه موجب شد که، بیمه چند خطر نیز ارائه شود.

تجربه هند در بیمه کشاورزی از جمله موارد درخور توجه است. کشور هند بیمه محصولات زراعی را در سال ۱۹۷۲ به صورت تجربی با محصول پنبه در ایالت گجرات شروع کرده است. نوع بیمه، بیمه تولید بود و عملکرد هر مزرعه بیمه شده ملاک پرداخت خسارت قرار می‌گرفت. پس از ۵ سال تجربه مشخص شد که ادامه کار بر اساس پرداخت خسارت بر مبنای عملکرد هر مزرعه به دلایل متعدد، بویژه مسئله مخاطرات اخلاقی امکانپذیر نیست. بنابراین در سال ۱۹۷۹ به این نوع بیمه خاتمه داده شد و از همین سال بیمه جدید بر مبنای عملکرد منطقه پایه گذاری شد. محصولات زیر پوشش هم به غلات، دانه های روغنی، پنبه و سیب گسترش داده شد. البته تنها تولید کنندگانی که وام دریافت کرده بودند زیر پوشش این بیمه قرار می‌گرفتند. این برنامه تا سال ۱۹۸۵ تعداد ۱۱۳ ایالت را پوشش داد از سال ۱۹۸۵ یک برنامه جامع بیمه کشاورزی به اجرا گذاشته شد. این بیمه توسط دولت مرکزی هند با مشارکت دولتهای محلی به اجرا درآمد. این بیمه در مناطق همگن و مشابه از لحاظ آب و هوایی به اجرا درآمد. به علاوه این بیمه تنها کشاورزانی را که وام دریافت کرده بودند و دانه های روغنی، غلات، حبوبات و مانند آن را که بنا به الزام دولت می‌کاشتند زیر پوشش قرار می‌داد. نکته جالب این بیمه آن است که دولت تنها ۵۰ درصد حق بیمه کشاورزان کوچک را به صورت یارانه می‌پرداخت و سایر تولیدکنندگان کل حق بیمه را خود می‌پرداختند.

از سال ۱۹۹۹ بیمه جامعتری به نام بیمه ملی کشاورزی به اجرا گذاشته شد. این بیمه محصولات بهتری از جمله محصولات باغی را زیر پوشش قرارداد و هم کشاورزان و دامدار و هم سایر تولیدکنندگان می توانستند از این خدمت استفاده کنند. البته برای کشاورزان و دامدار اجباری بود، لیکن برای سایرین اختیاری. در این بیمه امکان زیر پوشش قراردادن ارزش تولید به جای مقدار تولید، مشابه با آنچه در آمریکا انجام می شود فراهم شد.

در حال حاضر این بیمه علاوه بر محصولات زراعی پیشگفته، چغندر قند، سیب زمینی، بنیه، پیاز، فلفل، موز، آناناس و زنجبیل و زردچوبه را زیر پوشش قرار می دهد. در این بیمه هم ۵۰ درصد نرخ حق بیمه برای کشاورزان کوچک توسط دولت به صورت یارانه پرداخت می شود.

اخیراً در هند بیمه درآمد در بخشهایی به صورت پیلوت به اجرا گذاشته شده است. در این بیمه یک حداقل درآمد برای تولید کننده تضمین می شود. در واقع هم ریسک قیمت و هم ریسک تولید پوشش داده می شود.

این نوع بیمه با محصول برنج و گندم شروع شده است. این بیمه برای دریافت کنندگان وام از موسسات اعتباری اجباری و برای سایرین اختیاری است. دولت هند با برقراری این نوع بیمه، سیاست تضمین قیمت خرید را لغو کرده است. این برنامه در سال ۲۰۰۳ در ۱۳ ایالت هند به اجرا گذاشته شده است.

آخرین اقدام بیمه ای هند بیمه بارندگی است. یعنی تولیدکننده برای نوسانات بارندگی و دما از جمله کمبود بارندگی، زیادی بارندگی، کاهش دما و یا افزایش دما و نوسانات رطوبت از حد تعیین شده، بیمه می شود. این بیمه براساس یک شاخص آب و هوایی خسارت را محاسبه و پرداخت می کند. این بیمه توسط یکی از شرکتهای خصوصی بیمه ارائه می شود.

با بررسی تجربه های کشورهای ذکر شده و بسیاری از کشورهایی که در گزارش اصلی مطالعه به آنها اشاره شده است نکات ارزشمندی استنباط می شود:

۱- بیمه کشاورزی به عنوان یکی از مؤثرترین روشهای مدیریت ریسک در بخش کشاورزی و زیر پوشش حمایتی قراردادن تولیدکنندگان این بخش توسط کلیه شورهای جهان اعم از کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت پذیرفته شده است. بر همین اساس کمتر کشوری است که نوعی از بیمه کشاورزی را ارائه نکرده باشد.

۲- بیمه کشاورزی در کلیه کشورهای جهان به شکلی از حمایتهای مالی دولتها برخوردارند. گر چه نحوه ارائه حمایت ها در کشورهای مختلف متفاوت است.

۳- در بسیاری از کشورها، بویژه کشورهای توسعه یافته و بالاخص کشور آمریکا و اتحادیه اروپا، نرخ حق بیمه و میزان حمایت مالی از بیمه کشاورزی نه براساس اصول بیمه گری بلکه براساس

- فنازهای گروههای لابی گر و درمعاللات سیاسی تعیین می‌شود. همین امر بیمه کشاورزی را تا حد زیادی ناکارآمد ساخته و ازسوی پرداخت کنندگان مالیات در این کشورها مورد تردید قرار داده است.
- ۴- بیمه کشاورزی در شکل سنتی آن که غالباً چندین خطر را با هم زیر پوشش قرار می دهد در هیچیک از کشورهای جهان به عنوان یک فعالیت بیمه ای سودآور دیده نمی شود. اطلاعات مربوط به نسبت زیان (Loss-Ratio) در بیمه محصولات کشاورزی حاکی از آن است که این نسبت تقریباً برای تمامی کشورها بزرگتر از ۱ است، گر چه نزدیک کردن آن به عدد یک به عنوان معیاری از بهبود عملکرد سیاست حمایتی در بخش بیمه مورد توجه بسیاری از کشورها و جمله امریکاست.
- ۵- هیچ تجربه ای دیده نمی شود که بیمه کشاورزی کلیه زمینهای قابل کشت یک کشور را زیر پوشش قرار داده باشد. پوشش ها از ۱۰ درصد تا ۵۰ درصد در است.
- ۶- هیچ تجربه ای دیده نمی شود که بیمه کشاورزی کلیه محصولات زراعی و دامی را زیر پوشش قرار داده باشد، بلکه تنها تعدادی از محصولات که از اهمیت بیشتری در اقتصاد کشور برخوردارند و یا از لحاظ اهمیت غذایی مورد توجه قرار دارند پوشش داده می شوند. از لحاظ نوع خطر هم تعداد خطرات زیر پوشش محدود است.
- ۷- در کشورهای پیشرفته بویژه در آمریکا و کشورهای اروپایی بیمه کشاورزی از یک ابزار صرف مدیریت ریسک منحرف شده و از آن به عنوان ابزار انتقال حمایتهای مالی حذف شده در موافقتنامه دوره اروگونه در بخش کشاورزی استفاده می شود.
- ۸- بیمه کشاورزی از بیمه تک خطر به بیمه چند خطر و از بیمه تولید (عملکرد) به بیمه درآمدی و از بیمه بر مبنای عملکرد فردی، به بیمه بر مبنای عملکرد منطقه در حال انتقال و توسعه است.
- ۹- در بسیاری از کشورها بخش خصوصی در ارائه بیمه کشاورزی فعال است. در غالب کشورهای اروپائی بیمه کشاورزی از ابتدا توسط بیمه گران بخش خصوصی ارائه شده است، در آمریکا نیز بخش خصوصی کاملاً فعال است.
- ۱۰- در بسیاری از کشورها دولت به عنوان بیمه اتکایی برای بیمه گران کشاورزی عمل می کند. البته تعداد اندکی بیمه گر خصوصی نیز در شرایط خاص کار بیمه اتکایی را انجام می دهند.
- ۱۱- کشوری وجود ندارد که مشکل مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب را به عنوان یکی از چالشهای پیش روی بیمه کشاورزی یاد نکرده باشد. گرچه شدت و ضعف آن در کشورهای مختلف متفاوت است، به طوری که در مواردی کلاً منجر به توقف خدمات بیمه شده است.
- ۱۲- بیمه های کشاورزی که با مشکلات کمتری از لحاظ مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب و از لحاظ عملکرد مالی روبرویند، انهایی هستند که از اطلاعات کاملتر و طولانیتر در رابطه با وضعیت آب و هوایی، عملکرد، الگوی کشت مناطق زیر پوشش و فعالیتهای تولیدی بیمه گذاران زیر پوشش برخوردارند.

بیمه کشاورزی در ایران همانند بسیاری از کشورهای جهان با موانع و مشکلاتی روبه روست که توسعه و گسترش فراگیر آن را محدود می سازد و چنانچه با بهره گیری از تجربه های جهانی راهکارهای مناسب برای آنها اندیشیده نشود در آینده نه چندان دور چالشهای جدی در رابطه با پایداری بیمه کشاورزی در کشور را فراروی صندوق بیمه و بخش کشاورزی قرار خواهد داد. نکته درخور توجه این است که بررسی بیمه کشاورزی در کشورهای مختلف جهان نشان می دهد بسیاری از مشکلات بیمه در بین این کشورها مشترک است که دلیل اصلی آن مشترک بودن ماهیت تولید در بخش کشاورزی در کشورهای مختلف است. به همین دلیل بسیاری از راهکارهایی که کشورهای پیشرو در امر بیمه برای رفع موانع و مشکلات به کار گرفته اند می تواند در حال حاضر و یا در آینده نزدیک با فراهم کردن برخی شرایط لازم در ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد. در این بخش به برخی از موانع و چالشها و راهکارهای احتمالی آن اشاره می شود.

دو ویژگی در بیمه کشاورزی وجود دارد که ریشه موانع و مشکلات این نوع بیمه است و آن را از مسائل بیمه در سایر بخشهای اقتصاد متمایز می سازد. ویژگی اول ناشی از خصوصیات ساختاری مخاطرات در بخش کشاورزی است که ماهیت ریسک کشاورزی را از ریسک فعالیت در سایر بخش های اقتصاد متفاوت ساخته است. ویژگی دوم مربوط به تمایل و گاهی اجبار دولتها به مداخله در امر بیمه گری کشاورزی و نگرش بیمه گزاران این بخش به بیمه کشاورزی است. این دو ویژگی و مشکلات ناشی از آن در زیر توضیح داده می شود.

الف - ویژگیهای ریسک در بخش کشاورزی

ویژگیهای ریسک در بخش کشاورزی را می توان بامقایسه خصوصیات ریسکهای بیمه پذیر با مشخصات ریسکهای بخش کشاورزی مشخص کرد. برای ریسکهای بیمه پذیر ۳ مشخصه عمده ذکر می شود (برای مثال رجوع شود به رجدا، ۱۹۹۵):

۱- **تعدد واحد ها و تجانس ریسک**
وجود تعداد زیاد از واحدهایی که در معرض خطر مشابهی هستند و همگن بودن نسبی آنها از نظر احتمال بروز خطر دو شرط لازم برای استفاده از آمار به منظور محاسبه احتمال بروز خطر و تخمین خسارات آینده و به تبع آن، محاسبه حق بیمه با دقت کافی است. به عبارت دیگر شرایط باید به گونه ای باشد که بیمه گذار بتواند واحدهای متقاضی بیمه را از لحاظ ریسکی بودن به درستی گروه بندی کند.

در ایران با توجه به تعداد زیاد متقاضی خرید بیمه کشاورزی در بسیاری از فعالیتهای کشاورزی، در حال حاضر بخش اول شرط فوق تامین است. لیکن، مشکل اصلی تامین بخش دوم

ان یعنی دسته بندی مفاسد خرید بیمه به گروههای پر خطر، کم خطر و میان خطر است. وجود این مشکل مانع جدی در پیشبینی احتمال بروز خطر و میزان خسارت و در نتیجه تعیین نرخ متعادل حق بیمه است. گر چه در مواردی از جمله بیمه گندم این دسته بندی در بعد منطقه ای آن توسط صندوق بیمه صورت گرفته است، لیکن در مورد بسیاری از انواع بیمه از جمله بیمه طیور به عنوان مهمترین آنها در همین حد هم انجام نشده و مرغداربهای مناطق مختلف با همه تفاوتهای موجود در شرایط تولیدی، مدیریتی و مکانی به طور یکسان زیرپوشش بیمه قرار می گیرند. جدول ۱ میانگین در صد تلفات به عنوان یکی از خطرات زیر پوشش بیمه در مناطق یازده گانه کشور نشان می دهد. تفاوتهای بسیار چشمگیر در درصد تلفات در مناطق مختلف اهمیت توجه به این طبقه بندی را در مورد بیمه طیور نشان می دهد.

جدول ۱. درصد تلفات طیور گوشتی به تفکیک مناطق

درصد تلفات	نام منطقه	شماره منطقه
۸/۳۳	مازندران ، گیلان و گلستان	۱
۱۲/۹۷	آذربایجان شرقی و غربی	۲
۱۴/۱۶	همدان ، زنجان و اردبیل	۳
۱۲/۲۳	کرمانشاه ، لرستان ، ایلام و کردستان	۴
۱۱/۶۶	خراسان	۵
۲۳/۰۴	تهران و قزوین	۶
۱۷/۷۴	قم ، سمنان و مرکزی	۷
۲۳/۲۴	اصفهان و چهارمحال بختیاری	۸
۱۷/۶۱	کرمان ، یزد ، سیستان و بلوچستان و هرمزگان	۹
۱۵/۵۲	خوزستان و بوشهر	۱۰
۱۷/۴۲	فارس و کهگیلویه و بویر احمد	۱۱

ماخذ: اسلامی و همکاران، ۱۳۸۰

حتی تلفات مرغداربها با ظرفیتهای مختلف جوجه ریزی نیز کاملا از هم متفاوت است. جدول ۲ این تفاوتها را بخوبی نشان می دهد.

جدول ۲. درصد تلفات مرگداری های گوشتی به تفکیک طبقات ظرفیتی

درصد	ظرفیت (هزار قطعه)	شماره
۱۲/۲۴	۰-۵	۱
۱۵/۰۶	< ۵-۱۰	۲
۱۵/۵۱	< ۱۰-۲۰	۳
۱۶/۷۵	< ۲۰-۵۰	۴
۲۲/۲۷	< ۵۰-۱۰۰	۵
۱۹/۷۸	< ۱۰۰-۲۰۰	۶
۲۱/۱۲	از ۲۰۰ هزار قطعه بیشتر	۷

ماخذ: اسلامی و همکاران، ۱۳۸۰

گر چه طبقه بندی واحدهای متقاضی بیمه از بعد منطقه ای قدمی موثر در گروهبندی واحدها به دسته های هم ریسک است اما کافی نیست و این گروهبندی باید در هر منطقه در بین واحدها نیز صورت پذیرد. البته مسئولان صندوق بیمه کشاورزی به این مشکل کاملا واقفند و مطالعاتی را نیز انجام داده اند، لیکن مسئله اصلی دسترسی نداشتن به اطلاعات مناسب و کافی است. در همین راستا اصلاح و تقویت نظام آماری صندوق بیمه نیز می تواند کمک فراوانی به دستیابی به اطلاعات مورد نیاز را ارائه دهد. این مشکل در بخش بیمه های تجاری و از جمله بیمه خودرو به مراتب کمتر می باشد. زیرا اطلاعات بسیار قابل استنادی از نوع خطر توسط واحد های ذربط در دسترس است. لذا امکان محاسبه احتمال بروز خطر و خسارت و در نتیجه تعیین نرخ مناسب حق بیمه برآحتی بیشتری ممکن است.

از آنجا که در تعیین نرخ بیمه مبالغ غرامت پرداخت شده در دوره های قبل، عامل موثر و تعیین کننده است، لذا در نتیجه نبود گروهبندی واحدهای متقاضی بیمه از نظر ریسک و اعمال نرخ یکسان حق بیمه به همگی این گروها نرخ بیمه برای گروهای کم خطر بیشتر از حد معقول و برای گروهای پر خطر کمتر از حد لازم تعیین می شود. همین امر موجب می شود واحدهای پر خطر بیشتر متقاضی خرید بیمه شوند و واحدهای کم خطر ناراضی گردند و به تدریج از بازار بیمه خارج شوند. مسئولان بیمه آگاهند که مرگداریهای مناطقی که دارای بالاترین نرخ تلفات هستند در حال حاضر بیشترین متقاضیان بیمه طیور در کشور اند. بر همین اساس اگر این مشکل گروهبندی حل نشود و حق بیمه متناسب با آن تعیین نگردد، ادامه این وضعیت لزوم افزایش بی درمی نرخهای بیمه را برای جبران غرامتهای پرداختی به دنبال خواهد داشت و در نهایت موجب ناپایداری خدمات بیمه و تحمیل خسارتهای بسیار بر بودجه دولت و بانک خواهد شد.

ریسک زمانی بیمه پذیر است که بروز خسارت تصادفی باشد و به نوع عمل مدیر واحد تولیدی بستگی نداشته باشد، یعنی تغییر رفتار بیمه گذار پس از خرید بیمه نتواند احتمال بروز خطر و یا شدت آن را زیاد کند. به علاوه ریسکی بیمه پذیر است که در صورت وقوع علت وقوع، زمان وقوع و میزان خسارت را به درستی و با درصد بالایی از اطمینان مشخص کرد. در بیمه هایی از قبیل بیمه خودرو، بیمه منازل برای خطر آتش سوزی و از این قبیل تمام موارد فوق قابل دسترس و تشخیص است. در حالیکه در بسیاری از موارد در بیمه کشاورزی به دلایلی که در زیر به آن اشاره می شود تشخیص موارد مذکور با ابهامات بسیاری مواجه است.

ماهیت تولید در بخش کشاورزی بگونه ای است که امکان بروز پدیده «مخاطرات اخلاقی» در بیمه کشاورزی نسبت به بیمه های تجاری بسیار بیشتر است به طوری که از «مخاطرات اخلاقی» در بیمه کشاورزی همواره به عنوان یکی از مشکلات جدی و آزار دهنده در کشورهای مختلف جهان نام برده می شود. مخاطرات اخلاقی بدین معنی است که رفتار بیمه گذار پس از خرید بیمه به گونه ای تغییر یابد که بتواند بر بروز خطر و یا شدت آن اثر بگذارد. برای مثال بیمه گذار می تواند با کاهش مصرف برخی از داروهای ضروری یا رعایت نکردن بهداشت در واحدهای مرغداری و گاوداری و توجه کافی به ترکیب و بهداشت جیره غذایی در این واحدها، استفاده نکردن به موقع از سموم آفت کش در مزارع به امید اینکه بیمه خسارت وی را پرداخت خواهد کرد احتمال بروز خطر را افزایش دهد. این در حالی است که پی بردن به وقوع چنین اعمالی از طرف بیمه گر چندان مقدور نیست. بر همین اساس در بسیاری از موارد علت وقوع خسارت نیز به درستی تشخیص دادنی نیست.

از آنجا که عوامل متعدد موجب مرگ و میر در مرغداریها، گاوداریها و مزارع پرورش میگو و ماهی شود تشخیص دقیق علت وقوع مرگ و میر و مشخص نمودن سهم هر کدام از عوامل در بروز خسارت چندان راحت و دقیق نیست. یعنی اینکه وقوع خسارت واقعاً خارج از کنترل بیمه گذار بوده و یا مدیریت وی آن را باعث شده است در بیمه کشاورزی بسیار دشوار است. لذا، این احتمال وجود دارد که خسارات ناشی از عواملی که زیر پوشش بیمه نباشد از جمله کوتاهی مدیریت در اقدامات پیشگیرانه و یا اقدامات مدیریتی برای جلوگیری از گسترش تلفات از بیمه گر دریافت گردد.

در بیمه هایی از قبیل بیمه طیور تشخیص مکان بروز خسارت نیز گاهی با مشکل روبروست. طیور در واحدهای مختلف مرغداری دارای مشخصات مشابه هستند و نشانه گذاری آنها در واحد زیر پوشش بیمه برای تفکیک آن از سایر طیوری که زیر پوشش نیستند تقریباً امکان پذیر نیست. لذا امکان جابه جایی طیور تلف شده از یک مرغداری به مرغداری دیگر و ادعای خسارت

غیر واقع وجود دارد و در نتیجه تخصیص منابع و تخصیص خسارت را با مشکل روبرو می‌سازد.

محصولات باغی و زراعی نیز کم و بیش دچار همین مشکل است. یکی دیگر از مشکلات موجود در بیمه کشاورزی که تصادفی بودن بروز خسارت را در فعالیت‌های کشاورزی خدشه دار می‌کند این است که بروز خسارت در این گونه فعالیتها زیر تاثیر نحوه انجام مسئولیت‌های سازمانهای مسئول در بخش کشاورزی است. برای مثال بنا بر گزارش دفتر برنامه و ارزیابی عملکرد سازمان دامپزشکی کشور در سال ۱۳۸۱، چنانچه سازمان دامپزشکی هیچ گونه اقدام دامپزشکی را در سال ۱۳۸۱ این سال انجام نمی‌داد خسارتی بالغ بر ۱۷/۱۵ میلیارد تومان به دلیل بروز بیماریهای دامی بر بخش دام و طیور کشور وارد می‌شد. مثلاً بیماری نیوکاسل ۵۰ درصد طیور گوشتی و تخمگذار را مبتلا و ۷۰ درصد از این تعداد را تلف می‌نمود. سایر بیماریها نیز ممکن بود به صورت مشابه، حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد مرغدارها را بیمار و تلفات ۴۰ تا ۷۰ درصدی به گروه بیمار شده وارد کند. در مورد گوسفند و گاو و نیز با کمی اختلاف بین پیشبینی‌هایی به عمل شده است. باید توجه کرد که در این گونه موارد چنانچه ارزیابی خسارت برای پرداخت غرامت توسط نمایندگان این سازمانها صورت گیرد این احتمال وجود دارد که سعی شود بخشی از کوتاهیهای احتمالی این سازمانها با پرداخت خسارت توسط صندوق بیمه پوشانیده شود و بدین وسیله از نارضایتی تولید کنندگان از سازمانهای مذکور کاسته شود.

بنا بر آنچه توضیح داده شد، در بیمه کشاورزی در بسیاری از موارد خصوصیت تصادفی بودن، قابل تعیین و محاسبه بودن ریسک‌های بیمه پذیر نقض می‌شود. گر چه بیمه‌گران در همه جا و از جمله صندوق بیمه در ایران بناچار سعی می‌کنند با نپرداختن بخشی از خسارات وارد شده، به این گونه خطاها تا حدودی پوشش دهند لیکن، این خود می‌تواند موجب بروز نارضایتی در میان بیمه‌گذاران خوشرفتمار شود. نگاه به بیمه کشاورزی از دیدگاه ابزار حمایت مالی و نه مدیریت ریسک ازسوی بیمه‌گذاران و مسئولان دولتی ذیربط که در بخش بعد به آن اشاره خواهد شد مشکلات فوق را چند برابر می‌کند.

لزوم پایداری بیمه کشاورزی و فراهم کردن زمینه لازم برای ورود بخش خصوصی به بازار بیمه کشاورزی ایجاب می‌کند موانع پیشگفته به گونه‌ای کاهش یابد. بهره‌گیری از تجربه‌های جهانی در این زمینه می‌تواند در رفع موانع کمک موثری بکند.

تجربه جهانی حاکی از آن است که بیمه‌گران در این گونه موارد با استانداردسازی محیط‌های تولیدی و تعیین حق بیمه براساس سطوح مختلف استاندارد، بروز "مخاطرات اخلاقی" را به حداقل رسانده‌اند. بدین معنی که بیمه‌گذارانی که با استفاده از ابزارهای غیر استاندارد و در شرایط پرخطر تر فعالیت می‌کنند یا زیر پوشش قرار نمی‌گیرند و یا می‌بایست حق بیمه بالاتری

می‌گزارند تا احتمال بروز مخاطرات اخلاقی و سوء استفاده‌های بعدی را کاهش دهند.

در حال حاضر یکی از مشکلات بیمه کشاورزی در ایران تعریف محیط‌های استاندارد تولید در بخش کشاورزی و عدم نظارت لازم از سوی سازمانهای ذیربط بر اجرای آن حتی در موارد تعریف شده است. گرچه صندوق بیمه کشاورزی سعی کرده است با تعیین شرایطی در قراردادهای بیمه تا حدودی شرایط استاندارد تولید را به صورت غیر مستقیم تعریف نماید لیکن این کافی نیست. ایجاد محیطهای استاندارد تولید در بخشهای مختلف کشاورزی نیاز به همکاریهای گسترده و تعریف شده بین سازمانهای ذیربط دارد. در عین حال تعقیب رویکرد استاندارد سازی محیط تولید در فعالیتهای دام و طیور و آبزیان به نظر عملی می‌رسد گرچه در بیمه فعالیتهای زراعی و دامی می‌بایست تجارب دیگر جهانی را مورد توجه قرار داد.

یکی از راهکارهایی که در بسیاری از کشورهای جهان، اعم از پیشرفته و در حال توسعه از جمله آمریکا و هند برای کاهش خطر مخاطرات اخلاقی در فعالیتهای بیمه در بخش زراعت و باغداری انجام داده‌اند جایگزینی بیمه تولید منطقه محور به جای بیمه تولید فرد محور است. در این رویکرد خسارت کاهش تولید در صورتی به یک بیمه‌گذار در یک منطقه مثلا در یک روستا تعلق می‌گیرد که عملکرد متوسط کل مزارع منطقه کمتر از عملکرد مورد توافق در بیمه‌نامه باشد. در این حالت چنانچه عملکرد یک مزرعه خاص کمتر از عملکرد متوسط منطقه توافق شده در بیمه‌نامه باشد لیکن عملکرد متوسط کل منطقه همچنان بالا تر از مقدار توافق شده در بیمه‌نامه باشد به این مزرعه خاص خسارتی تعلق نخواهد گرفت. برعکس اگر یک مزرعه خاص تلاش کند در شرایطی که خطر تولید منطقه را تهدید می‌کند تولید خود را افزایش دهد در حالی که در نهایت عملکرد متوسط منطقه کمتر از مقدار مورد توافق در بیمه‌نامه گردد به این مزرعه خاص هم خسارت پرداخت خواهد شد. در این صورت نه تنها هیچ فردی رغبت به تغییر رفتار خود در جهت افزایش احتمال بروز خسارت بلکه برعکس منفعت او در تلاش برای کاهش احتمال خطر و در نتیجه افزایش تولید خواهد بود.

در ارتباط بابیمه حوادث ناشی از تغییرات آب و هوایی از جمله سیل، طوفان و تگرگ شرکتهای بیمه کشاورزی در دنیا به سمت قراردادهای بیمه‌ای بر اساس شاخص آب و هوا محور^{۱۹} به جای قرارداد های بیمه‌ای عملکرد محور حرکت کرده‌اند تا هم مشکل مخاطرات اخلاقی را بر طرف کنند و هم ارزیابی و پرداخت خسارت را اعمال نظرات شخصی فارغ کنند. در این نوع بیمه تایید وقوع خسارت و پرداخت غرامت بر اساس مجموعه‌ای از اطلاعات آب و هوایی صورت می‌گیرد. مثلا اگر در منطقه‌ای درجه حرارت به اندازه معینی کاهش یابد، باد با سرعت خاصی وزیده شده باشد و

¹⁹. Weather-based index contract

بارندگی در حد تعیین شده ای صورت گرفته باشد، تولیدات خاصی آسیب دیده و بیمه گذاران آن منطقه مستحق دریافت خسارت می باشند. حسن این نوع بیمه در این است که اطلاعات آب و هوایی مورد نیاز برای اجرای این نوع بیمه را می توان از مراجع بین المللی نیز دریافت کرد. به همین دلیل شرکتهای بیمه خصوصی نیز به ورود به بازار بیمه در این زمینه در کشورهای جهان از جمله هند راغب شده اند. استفاده از ابزارهای کنترل از راه دور نحوه رشد گیاهان نیز در این زمینه کمک بزرگی به افزایش دقت عمل این نوع بیمه کرده است.

از آنجا که خطرات ناشی از تغییرات آب هوایی از رایجترین خطرات در بخش کشاورزی ایران است، ارائه و توسعه این نوع بیمه در ایران بسیار مفید به نظر می رسد. بویژه آنکه شرکتهای بیمه اتکایی بین المللی نیز این نوع بیمه را مناسب برای بیمه کردن می دانند. اما راه اندازی این نوع بیمه علاوه بر داشتن دسترسی به اطلاعات آب و هوایی دقیق نیازمند وجود اطلاعات وسیع در خصوص نحوه رفتار گیاهان مختلف زیر پوشش بیمه به تغییرات آب و هوایی و در نتیجه چگونگی بروز خسارت و میزان آن در اثر این تغییرات است. بطور حتم یکی از موانع اجرای این نوع بیمه در کشور نبود همین بخش از اطلاعات در کشور است. در کشورهای پیشرفته این اطلاعات به طور گسترده ای وجود دارد، به گونه ای که الگوهای مختلف رشد برای گیاهان مختلف را توسعه داده اند. در ایران تحقیقات میدانی و آزمایشگاهی انجام شده توسط دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی دستگاههای اجرایی جامعیت لازم را برای در اختیار گذاشتن این اطلاعات ندارد. از این رو شروع تحقیقات در این خصوص با همکاری دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی و با اولویت دادن به محصولات استراتژیک می تواند زمینه را برای ارائه این نوع بیمه فراهم سازد. تصویب یک طرح تحقیقاتی در همین زمینه در صندوق بیمه محصولات کشاورزی و شروع عملیات اجرایی آن توسط دانشگاه تهران می تواند به عنوان اولین قدم عملی در این ارتباط تلقی شود.

همزمان با اقدامات پیشگفته، مانیتور کردن دقیقتر واحدهای زیر پوشش بیمه، تشکیل پرونده مادر برای هر یک از واحدها و ثبت کلیه اقدامات دامپزشکی و بروز حوادث مختلف در واحد تولیدی در آن، همچنین ثبت موارد ادعایی بیمه گذار اعم از موارد قابل پرداخت و غیرقابل پرداخت در سابقه بیمه گذار، همکاری اطلاعاتی تعریف شده و سازمان یافته بین صندوق بیمه کشاورزی و سازمانهای دامپزشکی، شیلات و سازمانهای کشاورزی کشور و بهره گیری از مجموعه این اطلاعات در تعیین حق بیمه مشابه با آنچه شرکتهای بیمه خود رو در خارج از کشور انجام می دهند، استفاده از ابزارهای پیشرفته آزمایشگاهی در تشخیص دقیقتر عوامل بروز خطراز جمله اقداماتی است که می تواند از مواجه کردن بیمه کشاورزی با چالشهای جدی در ارتباط با پایداری و توسعه بیمه در آینده جلوگیری کند.

یکی دیگر از خصوصیات ریسکهای بیمه پذیر این است که ریسک نباید سیستماتیک باشد. بدین معنی که بین ریسک واحد های مختلف بیمه شده نباید همبستگی مثبت وجود داشته باشد. به عبارت دیگر اگر خسارتی به یکی از واحد های زیر پوشش بیمه وارد شود نباید شرایط به گونه ای باشد که بطور همزمان به سایر واحدهای مشابه هم خسارت مشابه وارد شود. اگر چنین چیزی رخ دهد بیمه گر را در شرایط بحرانی از لحاظ مالی قرار می دهد. ریسک خشکسالی، ریسک سیل و نگرگ از جمله ریسکهای سیستماتیک اند. زیرا وقتی اتفاق می افتند بخش وسیعی از بیمه گذاران را بطور همزمان زیر تاثیر قرار می دهند و به آنها خسارت وارد می کنند. یکی از علائم وجود این گونه ریسک و تاثیر آن بر بیمه گر وجود نوسانات زیاد در نسبت زیان سالانه در شرکت های بیمه است. نگاه به این نسبت ها در صندوق بیمه در سالهای مختلف بخوبی در گیر بودن صندوق بیمه را با این نوع ریسک در ایران نشان می دهد (جدولهای ۳.۴، ۳.۵).

مقایسه جدول ۵ با جدول ۳ و ۴ حاکی از آن است که محصولات زراعی و باغی زیر پوشش بیمه بیشتر از محصولات دامی زیر تاثیر ریسک سیستماتیک است.

وجود ریسک با این خصوصیات ورود بخش خصوصی را به بازار بیمه کشاورزی محدود می سازد. به علاوه ادامه پوشش این گونه ریسکها توسط صندوق بیمه این صندوق را در مقابل چالش جدی بحران مالی در آینده قرار خواهد داد. در عین حال مصالح ملی حکم می کند تا اینگونه ریسک ها به گونه ای زیر پوشش قرار داده شوند. تجربه های جهانی در این گونه موارد حاکی از آن است که دولت ها برای ترغیب شرکت های بیمه به زیر پوشش قرار دادن ریسکهایی از این دست خود به صورت بیمه انکایی برای بخش خصوصی عمل می کنند. لذا اگر میزان خسارت وارد شده بر بیمه گر از بابت این گونه پوشش بیمه ای از حد معینی تجاوز کند دولت جبران خسارت را بر عهده می گیرد. در ایران نیز این تعهد بطور غیر مستقیم و به صورت عمومی و نه در ارتباط با خطرات خاص توسط دولت ایجاد شده است. شفاف شدن این تعهدات در قالب بیمه انکایی می تواند ضمن تقویت صندوق بیمه کشاورزی راه را برای ورود بخش خصوصی به بازار بیمه کشاورزی هموار سازد.

۷۹-۷۸	۸۰-۷۹	۸۱-۸۰	۸۲-۸۱	۸۳-۸۲	مورد بیمه / سال زراعی
۰/۴۸	۰/۸۶	۶/۸۹	۴/۲۵	۰/۲۸	چغندر قند ریشه ای
۰/۰۰	۲/۲۷	۰/۲۷	۰/۰۵	-	چغندر بذری
۰/۶۲	۱/۸۲	۲/۹۳	۲/۱۴	۱/۶۰	گندم آبی
۰/۴۲	۴/۱۸	۴/۵۵	۳/۴۰	۰/۲۲	گندم دیم
۰/۶۵	۳/۲۲	۱/۷۷	۱/۲۸	۱/۳۷	جو آبی
-	-	-	۸/۹۲	۹/۷۶	جو دیم
۰/۶۸	۱/۵۲	۰/۸۹	۰/۹۹	۰/۳۴	پنبه
۰/۵۴	۳/۳۴	۴/۰۲	۴/۹۲	۰/۳۳	برنج
۲/۶۴	۸/۰۹	۹/۲۵	۲/۵۶	۰/۰۹	سیب زمینی بهاره
۱/۴۰	۲/۴۵	۴/۰۳	۳/۳۳	۶/۰۵	سیب زمینی طرح استمرار
۰/۴۸	۰/۵۲	۰/۷۲	۱/۴۸	۱/۱۲	سیب زمینی زمستانه
۲/۶۵	۱/۸۳	۱/۳۴	۲/۰۲	۰/۰۶	آفتابگردان
۳/۸۲	۲/۹۶	۸/۳۴	۰/۴۴	۰/۱۹	سویا
۱/۱۱	۷/۸۵	۱/۸۷	۱/۹۵	۰/۰۲	ذرت دانه ای
-	-	-	۴/۷۵	۰/۰۳	ذرت علوفه ای
-	۱۴/۰۳	۳/۱۴	۰/۰۱	۰/۰۰	ذرت بذری
۴/۰۴	۳/۱۹	۲/۰۶	۰/۷۲	۰/۳۰	پیاز بهاره
۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۵۵	۵/۷۲	۵/۳۳	پیاز طرح استمرار
-	۰/۱۸	۰/۰۹	۴/۰۶	۷/۹۳	پیاز زمستانه
۱/۱۷۳	۱/۲۴	۲/۹۶	۱/۷۲	۱/۴۶	کلزا آبی
-	-	۰/۰۱	۰/۵۷	۰/۴۶	کلزا دیم
-	-	۲/۰۹	۱/۸۴	۱/۷۸	گلرنگ آبی
-	-	-	۵/۸۵	۰/۰۰	گلرنگ دیم
-	-	۶/۶۱	۳/۰۶	۰/۴۹	عدس
-	-	۳/۶۸	۲/۳۷	۰/۳۹	نخود
-	-	۴/۹۵	۵/۲۵	۰/۲۱	لوبیا
-	-	-	-	۰/۰۰	نیشکر
-	-	-	-	۱۸/۵۳	گوجه فرنگی فضای باز
-	-	-	-	۱۵/۱۴	گوجه فرنگی گلخانه ای
-	-	-	-	۳/۲۹	خیار گلخانه ای

جدول ۴. نسبت خسارت محصولات باغی زیر پوشش بیمه در سالهای مختلف

۷۹-۷۸	۸۰-۷۹	۸۱-۸۰	۸۲-۸۱	مورد بیمه / سال زراعی
۲/۴۳	۳/۵۵	۳/۱۹	۲/۷۱	انگور
۱/۴۲	۱/۱۸	۲/۵۷	۲/۴۷	خرما
۳/۰۰	۳/۳۴	۳/۷۵	۰/۸۳	سیب
۱/۴۹	۰/۱۲	۱/۷۲	۴/۲۵	مرکبات
-	۱۳/۲۶	۱/۰۴	۷/۱۲	پسته
-	۴/۶۴	۱۰/۱۴	۵/۵۶	بادام
-	-	۹/۴۶	۴۹/۸۸	زعفران
۴/۲۸	۵/۱۳	۳/۸۸	۳/۱۷	انار
-	-	۹/۱۸	۳/۷۳	گل و گیاهان زینتی
۴/۳۶	۳/۵۱	۵/۸۹	۰/۷۸	چای
-	-	-	۶/۰۲	زیتون
-	-	-	۱۰/۶۷	گردو

جدول ۵. نسبت خسارت دام و طیور زیر پوشش بیمه در سالهای مختلف

۸۲-۸۱	۸۱-۸۰	۸۰-۷۹	۷۹-۷۸	مورد بیمه / سال زراعی
۱/۵۳	۱/۵۶	۱/۰۷	۰/۶۶	بز و گوسفند
۱/۵۱	۱/۲۰	۰/۹۴	۰/۷۵	دام صنعتی
۰/۳۱	۰/۸۷	۱/۲۹	۳/۷۲	اسب
۱/۳۹	۱/۰۴	۱/۱۰	۰/۵۴	گاو بومی آمیخته
۱/۲۶	۰/۷۴	۰/۳۳	۰/۱۴	پروار بندی
۰/۵۶	۰/۲۹	۰/۷۰	۰/۶۹	طیور انواع مادر و تخمگذار
۱/۱۵	۱/۸۲	۱/۲۶	۱/۳۷	طیور نیمچه گوشتی
۰/۴۵	۱/۳۵	۰/۸۰	۰/۴۶	آبزیان سرد آبی
۱/۰۷	۰/۳۰	۰/۱۶	۰/۲۴	آبزیان گرم آبی
۲/۳۴	۳/۶۸	۰/۰۴	۰/۶۸	میگو
۲/۴۰	۳/۱۵	۰/۸۲	۱/۱۳	زنبور عسل
۰/۲۰	۴/۱۶	۰/۶۵	۰/۴۴	شتر
۱/۴۹	-	-	-	گاو میش

همان گونه که قبلا اشاره شد یکی عواملی که بیمه کشاورزی را از سایر بیمه‌ها متمایز می کند نوع نگاه مسئولان دولتی و بیمه گذاران به بیمه کشاورزی است. هم مسئولان و هم بیمه گذاران در این بخش بیمه را به عنوان یک ابزار حمایت مالی و نه یک طریق مدیریت ریسک از سوی بیمه می شناسند. به عبارت دیگر در ذهن این افراد تفکیکی بین پرداخت یارانه به تولید کنندگان، که غالبا با هدف کمک مالی به تولید کننده و افزایش رفاه او صورت می گیرد با بیمه که یک قرارداد دو طرفه بین تولید کننده به عنوان بیمه گذار و صندوق به عنوان بیمه گر است و با هدف مدیریت ریسک صورت می گیرد وجود ندارد. با این نگاه بیمه گذاران و مسئولان دولتی انتظار دارند در صورت بروز خسارت تمامی خسارت پرداخت شود و حتی ارزیاب وقوع خسارت را ولو غیر واقع به عوامل زیر پوشش بیمه ربط دهد، به گونه ای که امکان دریافت خسارت بیشتر از بیمه گر فراهم شود. این امر عملا ابزارهای کنترل خسارت و ریسک را توسط صندوق بیمه نا کارآمد می کند و فشارهای مالی را بر صندوق افزایش می دهد. افزایش همین فشارهای مالی و تحمیل هزینه های مازاد از این بابت بر صندوق بیمه، این شرکت را وادار به افزایشهای بی دربی نرخهای بیمه می کند. این امر به نوبه خود شرایط بیمه را برای واحدهای کم ریسک غیر مطلوب خواهد کرد. ثانيا، رغبت بخش خصوصی را به ورود به بازار بیمه کشاورزی از بین خواهد برد. ثالثا، بار مالی زیادی بر بودجه دولت وارد خواهد آورد که ناممکن بودن ادامه آن در آینده ناپذیر نیست. همه این موارد پایداری بیمه کشاورزی را با چالش جدی روبرو خواهد کرد.

نگرش خاص به بیمه کشاورزی موجب شده تا همه ساله مبالغ چشمگیری یارانه به عنوان بخشی از نرخ بیمه و به منظور پایین نگه داشتن این نرخ به صندوق بیمه پرداخت شود. با توجه به برنامه های توسعه بیمه در ایران و با عنایت به مبالغ یارانه پرداختی در حال حاضر ادامه این گونه حمایتها را در آینده با دشواری روبرو خواهد ساخت. ضمن آنکه پرداخت یارانه به صورت درصدی از حق بیمه به تمامی بیمه گذاران به طور یکسان به معنی تشویق بیمه گذاران بر خطر و تولید در مناطق نامناسب و پر مخاطره است که این امر منجر به ناکارایی در تولید می گردد. به علاوه بر اساس تجربه های جهانی این گونه پرداخت یارانه به جای تشویق تولید کنندگان به پذیرش و بهره گیری از تکنولوژی پیشرفته تر، استفاده از تکنولوژی ناکارآمد را مقرون به صرفه می نماید. از این رو جامعه نیز در قبال هزینه های پرداختی به تولید کنندگان منفعتی را دریافت نمی کند. طبعا در صورت ادامه این وضعیت اصل پرداخت یارانه مورد تردید قرار می گیرد و مشکلاتی را برای ادامه آن حتی در صورت امکان مالی دولت ایجاد خواهد کرد. این چالشی است که هم اکنون بسیاری از کشورها از جمله امریکا با آن مواجه اند.

هدفمند نمودن یارانه ها در این بخش و محدود کردن آن به تعدادی از محصولات استراتژیک و به گروهی خاص از تولید کنندگان، آن هم زیر شرایط خاص مشابه با آنچه در هند انجام می شود می تواند از رویارویی صندوق بیمه کشاورزی و بطور کلی بخش کشاورزی با چالش فوق الذکر جلوگیری کند.

یکی از مشکلاتی که در آینده پیشبینی شدنی است بی ثباتی بیشتر در درآمد تولید کنندگان بخش کشاورزی است. تعقیب سیاست آزادسازی تجاری و پیوستن به سازمان تجارت جهانی موجب خواهد شد تا تولید کنندگان این بخش نه تنها زیر تاثیر سیاستهای داخلی کشور قرار گیرند بلکه از سیاستهای سایر دولتها در بخش کشاورزشان نیز تاثیر پذیرند. به علاوه شرایط آب و هوایی سایر کشورها نیز بر وضعیت قیمتها و در نتیجه تولید در کشور اثر خواهد گذاشت. به عبارت دیگر تمام عواملی که موجب تغییر در بازار جهانی می شود بر بازار داخلی نیز اثر خواهد گذاشت و درآمد تولید کنندگان را بی ثبات تر خواهد کرد. لذا یکی از چالشهای جدی فراروی بیمه کشاورزی لزوم ارائه بیمه درآمدی به جای بیمه تولید خواهد بود. از این رو از هم اکنون باید شرایط لازم برای ارائه این نوع بیمه فراهم شود تا به یکباره صندوق زیر فشارهای سیاسی به صورت شتابزده مجبور به ارائه این خدمت نگردد.

از لحاظ پوشش بیمه ای نیز صندوق با چالشی روبروست. در حال حاضر و به موجب قانون، صندوق بیمه می بایست حداقل ۵۰ درصد سطح زیر کشت کشور را زیر پوشش قرار دهد. اما سوالی که می بایست توسط صندوق پاسخ داده شود این است که پوشش بیمه در کجا باید متوقف شود؟ از جنبه تعداد محصولات آیا می بایست تما می محصولات را زیر پوشش بیمه قرار دهد؟ از لحاظ خطرات زیر پوشش در آینده چگونه باید عمل کند؟ آیا حد بهینه ای برای هر کدام از موارد ذکر شده وجود دارد؟ پاسخ این سولات می بایست با انجام مطالعات لازم و با بهره گیری از تجارب جهانی با اولویت فراهم شود. چرا که این پاسخها وضعیت آینده کاری صندوق را مشخص و کار برنامه ریزی را برای صندوق راحتتر خواهد نمود ضمن اینکه سیاست گذاران بخش کشاورزی را در تدوین سیاستهای بخشی راهنما خواهد بود.

خلاصه کلام آنکه بیمه کشاورزی در ایران و در جهان با موانع و چالشهای متعددی روبروست و با جهانی شدن اقتصاد بر پیچیدگی آن نیز افزوده می شود. در عین حال پیشرفتهای حاصل شده در زمینه گردآوری اطلاعات، استانداردهای محیط تولید و ارزیابی خسارت به همراه تجارب خوب و چندین ساله جهانی نوید بخش امکان برنامه ریزی برای مقابله با چالشها و رفع موانع می باشد.

- ۱- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲. سالنامه آماری کشور ۱۳۸۱، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
- ۲- سلامی، ح.، ۱۰. هاشمی و ک. صدر ۱۳۸۰. تعیین استراتژی توسعه صنعت طیور گاوگوشتی کشور.

- 3- Barnett, J. and K. H. Coble . 1999 . Understanking Crop Insurance Principles : A . Primer for Farm Leaders . Agricultural Economics Research Paper No . 209 , Department of Agricultural Economics , Mississippi State University .
- 4- Fleisher , B . 1990 . " Agricultural Risk Management . " Lynne Reinner Publishers , Boulder & London .
- 5- Hennessy , D., B.A., Babcock and D . Hays . 1997 . " Budgetary and Producer Welfare Effects of Revenue Insurance . " American Journal of Agricultural Economics , 79 : 1024-1034 .
- 6- Jain , S.R.C. 2004 . " Challenges in Implementing Agricultural Insurance and Reinsurance in Developing Countries " . Paper Presented at ICDC .
- 7- Just , R.E. and D. Zillberman . 1986 . " Does the law of supply Hold Under Uncertainty ? . " The Economic Journal , (96) : 514-524 .
- 8- Rejda , G., E. 1995. Principle of Risk Management and Insurance . New York : Harper Collins College Publishers .
- 9- Robison , L.J. and P.J. Barry . 1987 . " The Competitive Firm's Response to Risk . " New York , Macmillan .
- 10- Skees , J.R. 2000 . " Agricultural insurance Programs : Challenges and Lessons Learned . " Workshop on Income Risk Management . Section 4 : From Risk - Polling to Safety Nets : Insurance System . OECD , Paris 15-16 May .
- 11- World Bank . 1999 . " Dealing with Commodity Price Volatility in Developing Countries : A Proposal for a Market - based Approach . " International task Force on Commodity Risk Management in Developing Countries , Discussion PaPer , September , Washington DC .
- 12- Wenner , M. and D . Arias . 2003 . " Agricultural Insurance in Latin America : Where are we ? Paper Presented in International Conference on Paving the Way Forward for Rural Finance .